خارج اصول9

چهار شنبه 33/ 7/ 98

\*اقسام واجب\*

کلام در سخن محقّق نائینی بود. سؤالی مطرح شد به اینکه اگر عقل به وجوب مقدّمه مفوّته ای حکم کند، آیا از این حکم عقل، حکم شرع به وجوب نیز کشف می شود یا نه؟ جوابی از مرحوم نائینی عرض شد به اینکه بله حکم عقل کاشف از حکم شرع است و آن مقدمه شرعاً نیز واجب است اما نه از باب وجوب غیری(وجوب بالغیر) بلکه از باب وجوب للغیر؛ ایشان این را «متمّم الجعل» نامیده است. یعنی حکم عقل به وجوب، متمّم و مکمّل جعل شرع است زیرا اگر حکم عقل نبود، حکم شرع فهمیده نمی شد و به ما نمی رسید.

مبنای محقّق نائینی این است که عقاب مکلّفِ تارکِ مقدّماتِ مفوّته، بخاطر مخالفت با خطابی است که با حکم عقل کشف می شود زیرا ایشان و بسیاری از علما علت عقاب را منحصر در مخالفت با خطاب می دانند.

جواب فرمایش ایشان سیأتی. اما قبل از آن مطالبی باید بررسی شود. قبلاً دو امر ذکر شد:

1.التنافی بالإختیار لاینافی الإختیار عقاباً و ینافیه خطاباً.

2.علّت عقاب عبد یکی از این دو است: یا «مخالفت با خطاب» یا «تفویت مصلحت». یعنی علت عقاب، منحصر در مخالفت با خطاب نیست بلکه تفویت مصلحت نیز موجب استحقاق عقاب است.

بحث از تفویت مصلحت در دو مقام بررسی می شود: «تعلّم» و «غیر تعلّم»

مقام اوّل(تعلّم)

تعلّم گاهی مقدّمه ی مفوّته است مثلاً مکلّف قبل از بلوغ باید احکام را یاد بگیرد زیرا از اوّل بلوغ باید تکالیف شرعی مانند نماز را اتیان کند و اگر احکام آن را یاد نداشته باشد موجب فوت واجب می شود.

اما تعلّم چند صورت دارد:

صورت اوّل: تعلّم احکام برخی واجبات بعد از فعلیّت آنها، ممکن است؛ مانند احکام حج که بعد از وجوب و رفتن به مکه، در همانجا احکام مناسک را از روحانی کاروان یاد می گیرد و انجام می دهد یا اجتهادا یک یک اعمال را اجتهاد کرده، انجام می دهد.

در اینصورت قبل از زمان واجب، تعلّم واجب نیست.

صورت دوّم: تعلّمِ قبل از وقت، در تشخیص و تعیین واجب، در زمان اتیان مؤثر است و بدون تعلّم، اتیان بصورت تفصیلی ممکن نیست و باید بصورت اجمالی اتیان کند؛ مانند احکام قصر و اتمام که اگر در جایی نداند که نماز را باید کامل بخواند یا شکسته، باید به هر دو صورت بخواند؛ و مانند ظهر و جمعه که باید هردو را بخواند.

در اینصورت قبل از زمان واجب، تعلّم واجب نیست؛ زیرا مبنای ما آن است که در اکثر موارد شکّ در مکلّف به، امتثال اجمالی کافی است در بحث اصول عملیه و در بحث اسقاط تکلیف، ما این نظریه را انتخاب کردیم که هر تکلیفی را جایز است تفصیلی اتیان کنیم یا اجمالی و اینطور نیست که اولاً اتیان تفصیلی واجب باشد و اگر نشد، اجمالی؛ بلکه از ابتدا اتیان اجمالی جایز است؛ زیرا امتثال اجمالی در عرض امتثال تفصیلی است نه در طول آن؛

(پایان)